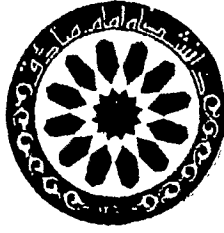


بسم الله الرحمن الرحيم

۶۷۸۵۹



دانشگاه امام صادق علیه السلام

دانشکده الهیات و معارف اسلامی و ارشاد

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد الهیات (گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی)

معیار مالیت مورد معامله در فقه امامیه و نقش زمان و مکان در آن

سعید درویشی

استاد راهنما:

جناب حجة الاسلام والمسلمین غلامرضا مصباحی مقدم

استاد مشاور:

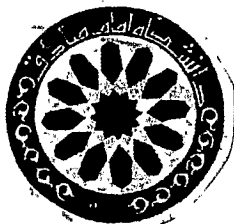
جناب حجة الاسلام دکتر سید علی حسینی

تابستان ۱۳۸۱

۵۹۵۷۹

کتابخانه مرکزی دانشگاه امام صادق (ع)

شماره ثبت
۲۱۱
۴



دانشگاه امام صادق علیه السلام

دانشکده الهیات و معارف اسلامی و ارشاد

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد الهیات (گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی)

معیار مالیت مورد معامله در فقه امامیه و نقشی زمان و مکان در آن

فرمان اطلاعات مدرک علمی این
موسسه در این

سعید درویشی

۱۳۸۲ / ۱۰ / ۳۰

استاد راهنما:

جناب حجة الاسلام والمسلمین غلامرضا مصباحی مقدم

تأیید شده
تابستان ۱۳۸۱

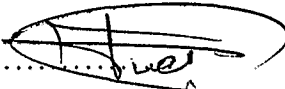
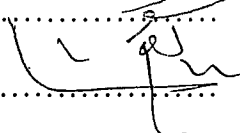
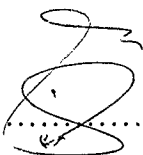
کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری،
ترجمه، اقتباس و... از این پایان نامه کارشناسی ارشد
برای دانشگاه امام صادق (ع) محفوظ است. نقل
مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای سعید درویشی شماره دانشجویی: ۷۴۳۳۱۰۵۱۳

تحت عنوان: معیار مالیت مورد معامله در فقه امامیه و نقش زمان و مکان در آن

را از نظر شکل و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیوسته پیشنهاد می کنند.

اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	محل امضاء
(۱) استاد راهنما:	حجة الاسلام مصباحی		
(۲) استاد مشاور:	حجة الاسلام سیدعلی حسینی		
(۳) نماینده شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده: دکتر حسین هوشنگی			
(۴) اساتید ناظر:			
(۱)	حجة الاسلام سعید رجحان		
(۲)			

چکیده

از نظر فقهی مورد معامله در معاملات معوض باید مالیت داشته باشد بر همین اساس لازم است مفهوم و معنای مال را تبیین کرد و معیار میزانی برای مالیت و مال محسوب شدن اشیاء ارائه داد حال سؤال این است که معیار مالیت مورد معامله در معاملات معوض چیست؟

فقهاء برای تحقق مال عناصر مختلفی را ذکر کرده‌اند، از میان این عناصر و ارکان دو عنصر قابلیت اختصاص و قابلیت انتفاع نقش اصلی را دارند. و همچنین مراد از مالیت مورد معامله در معاملات معاوضی نوعی است یا شخصی؟ در فقه اسلام هر کدام از این دو نظریه طرفدارانی دارند، معیار اول مشهورتر و معروف‌تر است اما معیار دوم مناسب‌تر و منطقی‌تر به نظر می‌رسد، زیرا هرگاه شیء برای فرد خاصی - هر چند در زمان و مکان خاص - متضمن فایده و منفعتی باشد و آن منفعت از طرف شارع ممنوع نشده باشد، بیع آن شیء برای شخص مزبور درست و صحیح است و تمام آثار بیع صحیح بر آن مترتب است و نسبت به فروشنده نیز جایز است و دلیلی بر منع آن وجود ندارد. در فقه اسلام اشیایی حرام شمرده شده که با توجه به منفعت خاصی که برای مردم داشته‌اند، دادوستد و معامله آنها به لحاظ همان کاربرد ممنوع اعلام شده است امام امروزه استفاده‌های دیگری می‌توان از آنها برد حال سؤال این است آیا معامله اشیاء مزبور به طور مطلق و در تمام زمان‌ها و مکان‌ها و برای تمام اشخاص ممنوع است یا اینکه معامله آنها در جهت خاص و نسبت به اشخاص خاص ممنوع است؟

با دقت و توجه کافی در دلایل استنادی و با توجه به اوضاع و احوال مردم آن زمان و نوع انتفاعات و استفاده‌هایی که از آن اشیاء می‌شده می‌توان این نتیجه را گرفت که ممنوعیت معامله اشیاء مزبور به طور مطلق نبوده، بلکه ادله حرمت و ممنوعیت ناظر به منفعت و استفاده رایج و متعارف آن زمان بوده است و این ادله شامل منافع و استفاده‌هایی که در زمان‌های بعدی و در زمان حاضر از آن اشیاء می‌شود نمی‌گردد.

عوض، معوض، مالیت، زوال، معامله.

من الناحية الفقهية يجب على المعوض في المعاملات العوضيه ان يكون ذامالية، ولهذا من اللازم علينا ان نحدد ونبين معنى و مفهوم المالية. المعايير والضوابط التي بموجبها يتم تحديد و تمييز الأشياء ذات المالية من غيرها. و لهذا نطرح السؤال التالي:

ماهو معيار و ملاك المالية في المعاملات العوضية؟ لقد ذكر الفقهاء عدد من العناصر التي بموجبها تتحقق المالية، و من هذه العناصر، العنصران الاصيلان التاليان:

١- ان يكون الشيء قابلاً للاختصاص ٢- ان يكون قابلاً للانتفاع

السؤال الثاني الجدير بالطرح: ماهو المقصود بالمالية أهى المالية النوعيه ام المالية الشخصية؟
في الفقه الاسلامى هناك انصار و مؤيدون لكلا الرأيين، فالمعيار الأول اكثر شهرة بين الفقهاء، فيما المعيار الثاني يبدو مناسباً و منطقياً أكثر. لأن الشيء الذى يشتمل على فائدة و منفعة لشخص ما - ولو فى زمان او مكان خاص - و لم تكن هذه المنفعة ممنوعة من قبل الشارع، فان بيع هذا الشيء لذلك الشخص صحيح و تترتب عليه جميع آثار البيع الصحيح و هو جائز (اى هذا البيع) بالنسبة للبائع و لا يوجد اى دليل على المنع. هناك نماذج كثيرة فى الفقه الاسلامى لأشياء تم تحريم التبادل و المعاوضه و التعامل بها، نظراً الاستعمالاتها الخاصة فى زمانٍ خاص بين الناس (مثل حرمة بيع الدم لانه كان يباع و يشتري كمشروب) و لكن استعمالاتها اليوم قد تغيرت عن السابق كليةً و السؤال الذى يمكن طرحه هو الآتى: هل هذا التحريم و المنع عن التعامل بها ذو صفة مطلقة يشمل جميع الازمنة و الامكنة و جميع الاشخاص أم أنه تحريم ناظرٌ إلى جهة خاصة و زمان و مكانٍ و اشخاصٍ محددين، و بتغيير هذه الشرائط الزمانية و المكانية يتغير الحكم؟ فى الحقيقة أننا لود دققنا و تأملنا فى ادلة هذه الاحكام المستنده، و أخذنا بعين الاعتبار احوال و اوضاع الناس فى ذلك الزمان و نوع استعمالات و المنافع التى كانوا يستفيدونها من هذه الاشياء يمكننا ان نستنتج ان حرمة التعامل و الممنوعة لم تكن مطلقة، و انما كانت ناظرة الى نوع المنفعة و الاستعمالات الرائجة و المتعارفة بين الناس فى ذلك الزمان، و ان هذه الأدلة لا تشمل الاستعمالات و المنافع التى من الممكن ان تظهر لهذه الاشياء فى الأزمنة اللاحقة كزماننا.

الكلمات الاساسية: العوض، المعوض، المالية، الزوال، المعاملة.

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

ایشان که به لطف پروردگار رهنمون من در زیستن شدند و استادانه عشق به آموختن را در وجودم بنا نهادند.

آنان که وجودشان برایم همه عشق بود و وجودم برایشان همه رنج توانشان رفت تا به توانایی رسم و مویشان سپید شد تا رو سپید بمانم. عزیزانم، خالصانه‌ترین سپاس‌ها تقدیم به وجود پر مهر شما تقدیم به تلاشتان، صبرتان و گذشتتان.

و تقدیم به همسر وفادار و صبورم

او که حضور همیشگی‌اش در ذهنم انگیزه زیستن و آموختن را برایم تقویت می‌کند و امید به آینده در کنار او معنا می‌یابد و سپاس از دریای صبر و مهربانی‌اش او که نامهربانیهای من را در دوران تحصیل با صبر و تحمل خویش رنگ مهربانی و خوبی داد.

تقدیر و تشکر

اکنون که این امکان فراهم شد تا نوشتار حاضر به سرانجام رسد، برخویش لازم می‌دانم از تمامی استادان گرانقدر خود که از راهنمایی‌های آنان بهره‌مند بوده‌ام به ویژه از استاد بزرگوار گرامی‌ام حجة الاسلام والمسلمین غلامرضا مصباحی مقدم که دلسوزانه راهنمایم بودند و پدرانه همکاری فرمودند و رهنمودهای ارزشمندشان روشنی‌بخش راهم بود و از استاد ارجمند حجة الاسلام دکتر سید علی حسینی بخاطر همکاری صمیمانه و مشاوره‌های راهگشایشان، متواضعانه سپاسگزاری می‌نمایم.

همچنین فرصت را مغتنم شمرده و مراتب تقدیر و تشکر خالصانه خود را از مسئولان و استاد‌های دانشگاه امام صادق (ع) و همه کسانی که در مسیر علم‌آموزی و دانش‌اندوزی یاری‌ام نمودند، ابراز دارم.

فهرست مطالب

مقدمه ۱

فصل اول: کلیات

۱-۱: تعریف مال ۷

۱-۱-۱: معنای لغوی مال ۷

۱-۱-۲: مال در اصطلاح فقهی ۹

۱-۱-۳: مال در قرآن کریم ۱۴

۱-۱-۴: مال و ملک ۱۵

۱-۱-۵: مال و حق ۱۸

۱-۱-۶: مال و منفعت ۱۹

۲-۱: اقسام مال ۲۲

۱-۲-۱: اقسام مال به اعتبار ماهیت اشیاء ۲۳

۱-۲-۱-۱: عین و منفعت ۲۴

۱-۲-۱-۲: اموال مثلی و قیمی ۳۱

۱-۲-۱-۳: مال استهلاکی و مال غیر استهلاکی ۳۵

۱-۲-۱-۴: مال منقول و مال غیر منقول ۳۷

۲-۲-۱: اقسام مال به اعتبار مالک ۴۰

۲-۲-۱-۱: اموال خصوصی ۴۱

۲-۲-۱-۲: مشترکات عمومی ۴۱

۲-۲-۱-۳: مباحات ۴۳

۴۴	۱-۲-۲-۴: انفال
۴۸	۱-۲-۲-۵: اموال دولتی
۴۹	۱-۲-۲-۶: اموال مجهول المالک
۵۰	۱-۳: تبیین موضوع بحث
۵۰	۱-۳-۱: معامله
۵۲	۱-۳-۲: مورد معامله
۵۷	فصل دوم، تحلیل لزوم مالیت مورد معامله
۵۹	۲-۱: لزوم مالیت داشتن مورد معامله
۵۹	۲-۱-۱: لزوم ملکیت
۶۰	۲-۱-۲: اکل مال به باطل
۶۲	۲-۱-۳: اسراف و تبذیر
۶۲	۲-۱-۴: سفاهت
۶۳	۲-۱-۵: معنای بیع
۶۴	۲-۲: عدم لزوم مالیت مورد معامله
۶۴	۲-۲-۱: پاسخ استدلال اول
۶۵	۲-۲-۲: پاسخ استدلال دوم
۶۵	۲-۲-۳: پاسخ استدلال سوم
۶۶	۲-۲-۴: پاسخ استدلال چهارم
۶۷	۲-۲-۵: پاسخ استدلال پنجم



فصل سوم: معیار مالیت و زمان و مکان مالیت مورد معامله

- ۱-۳: معیار مالیت ۷۰
- ۱-۱-۳: معیار نوعی ۷۱
- ۲-۱-۳: معیار شخصی ۷۳
- ۲-۳: زمان و مکان مالیت مورد معامله ۷۶
- ۱-۲-۳: خرید و فروش خون ۷۷
- ۲-۲-۳: خرید و فروش اعضاء و جوارح ۸۴
- ۱-۲-۲-۳: فروش اعضاء در زمان حیات ۸۵
- ۲-۲-۲-۳: فروش اعضاء پس از مرگ ۹۴
- ۳-۲-۲-۳: فتاوی فقهاء ۱۰۲
- ۳-۲-۳: خرید و فروش نجاسات ۱۰۶

فصل چهارم: زوال مالیت مورد معامله ۱۳۱

- ۱-۴: عوامل زوال مالیت ۱۳۱
- ۱-۱-۴: قانون ۱۳۱
- ۲-۱-۴: عرف و عادت ۱۳۳
- ۳-۱-۴: طبیعت و حوادث ۱۳۵
- ۲-۴: آثار زوال مالیت ۱۳۵
- ۱-۲-۴: زوال کلی مالیت ۱۳۶
- ۱-۱-۲-۴: کلی بودن مورد معامله ۱۳۶
- ۲-۱-۲-۴: معین بودن مورد معامله ۱۳۷

۲-۲-۴: زوال جزئی مالیت ۱۳۸

۱-۲-۲-۴: کلی بودن مورد معامله ۱۳۹

۲-۲-۲-۴: عین معین بودن مورد معامله ۱۴۱

نتیجه گیری ۱۴۳

فهرست منابع و مآخذ ۱۴۵



مقدمه

از روزی که انسان به جهان هستی پای گذارده و در روی زمین زندگی دنیوی خود را آغاز نموده است - صرف نظر از اختصاصات و ویژگیهای هر عصر - با مفاهیمی چون مال و مالیت و ملک و ملکیت کم و بیش آشنا بوده است. انسان نیازهای گوناگون مادی و معنوی دارد و برای برآورده ساختن نیازهایش اقدامات گوناگون و متنوعی را انجام می دهد. خداوند اشیاء مختلفی را برای بشر آفریده تا به کمک آنها و به استخدام در آوردن آنها زندگی خود را بگذراند. انسان اشیاء مورد نیاز خود را به طرق و شیوه های مختلف به دست می آورد، معامله و دادوستد یکی از راههای معمولی و رایج رفع نیاز انسان است. اصولاً در هر معامله ای افراد یا اشخاص به عنوان طرفین معامله یا متعاقدین دخالت می کنند و اشیایی نیز به عنوان «مورد معامله» یا «عوض و معوض» یا «ثمن و مئمن» مطرح می باشد.

فقه و حقوق هم به طرفین معامله و هم به مورد معامله نظر دارد و برای هر کدام شروطی را مقرر می دارد. همه افراد اجتماع ممکن است نتوانند مصالح خود را به خوبی تشخیص دهند و از این رو فقه و حقوق مقررات خاصی را برای حمایت از این گونه اشخاص بیان و وضع می کند و صحت و نفوذ معاملات آنان را منوط به رعایت آن مقررات و شرایط می نماید و اشخاص با دارا

بودن آن شرایط می‌توانند معاملات مورد نظر خود را منعقد سازند. وظیفه علم فقه و حقوق تنظیم روابط افراد یک جامعه است همان طور که برای متعاملین شرایطی را مقرر می‌دارد، شرایط زائد مورد معامله را نیز بیان می‌کند.

از نظر فقهی هر چیزی نمی‌تواند به عنوان مورد معامله بین افراد جامعه رد و بدل شود، تبادل بعضی اشیاء و قرار گرفتن آنها به عنوان مورد معامله ممکن است برخلاف نظم عمومی یا برخلاف اخلاق حسنه یک جامعه باشد اینجاست که علم حقوق و علم فقه دخالت کرده و اراده طرفین را محدود می‌سازد و برای مورد معامله شرایط خاص و ویژه‌ای را مقرر می‌دارد.

این شرایط را فقهاء و حقوقدانان اسلامی در مباحث مربوط به عوضین بیان کرده‌اند. از جمله شرایطی که برای مورد معامله بیان شده آن است که: مورد معامله باید «مالیت» داشته باشد. «مالیت عوضین» در معاملات معوض از شرایط اساسی عقود و قراردادها شمرده شده است. برای تبیین لزوم یا عدم لزوم این شرط و نقد و بررسی آن ابتدا باید معنا و مفهوم مال و عناصر و ارکان آن را بررسی کرد پس از آن که مفهوم و ارکان مال تبیین گردید لازم است ملاک و معیار مالیت اشیاء را جستجو کرد. چه موقع مال به چیزی اطلاق می‌شود و چه موقع عنوان مال از چیزی سلب می‌گردد. آیا قضاوت و نگرش یا غالب افراد یک جامعه و اصطلاحاً عقلاء جامعه را معیار مالیت اشیاء بدانیم و بگوئیم وقتی که نوع مردم جامعه چیزی را مفید و با ارزش تلقی کنند و بتوانند از آن منتفع شوند و دادوستد آن را امری عقلایی بدانند مالیت آن چیز محقق و مسلم است. که از این معیار به «معیار نوعی» یاد می‌کنیم، یا آن که قضاوت و نگرش شخص را - هر چند در زمان و مکان و شرایط خاص - معیار قرار دهیم و معتقد باشیم همین قدر که شیئی از اشیاء بتواند نیازی از نیازهای شخص را برآورده نماید از دیدگاه شخص منتفع دارای ارزش مالی باشد برای تحقق وصف مالیت کافی است که از آن به «معیار شخصی» نام می‌بریم.

طبیعی است که پذیرش هر کدام از این دو معیار از لحاظ علمی و عملی آثاری به همراه دارد

به طوری که هرگاه معیار اول را بپذیریم ناچار خواهیم بود اشیایی را که برای نوع مردم متضمن منفعت نیست ولی برای افراد خاصی مفید و دارای ارزش مالی است از دایره اموال خارج نموده و معامله آن را نادرست تلقی کنیم در صورتی که با پذیرش معیار دوم در صحت معامله یاد شده تردیدی به خود راه نخواهیم داد چرا که عناصر و ارکان مال را در شیء مزبور تام و تمام می دانیم، از طرفی اموال چهره های گوناگون و انواع و اقسام مختلفی دارند، شناسایی انواع و اقسام اموال از مباحث مهم علم فقه به شمار می رود.

چرا که بنا به طبیعت و ماهیت اموال و اشیاء و نیز بنا به اوضاع و احوال و شرایط خاص هر یک از قراردادها و تأسیسات حقوقی، هر مالی را نمی توان به هر صورتی و در قالب هر عقدی به دیگران منتقل کرد یا آن را به تصرف خویش درآورد و از آن منتفع شد. بلکه قالب فقهی و یا حقوقی خاصی با توجه به نوع مال برای نقل یا به تصرف درآوردن آن پیش بینی و مقرر گردیده است. پس باید دید در هر عقدی از عقود کدام نوع از اموال می تواند مورد داد و ستد و نقل و انتقال قرار گیرد و هر نوع از اموال را در قالب کدام تأسیس حقوقی می توان به تصرف خویش در آورد و یا آن را به دیگران انتقال داد.

عناصر و عواملی که در تحقق وصف مالیت اشیاء دخالت دارند. زمانی عنوان مال به چیزی اطلاق می شود که عناصر و ارکان و شرایط خاصی وجود داشته باشد. همان طور که در تحقق وصف مالیت عواملی دخالت دارند، ممکن است عواملی وجود داشته باشد که باعث زوال وصف مالیت اشیاء گردد. بنابراین مالیت اشیاء در شرایطی و در اثر عواملی خاصی ممکن است زائل شود، از این رو شناخت عوامل زوال مالیت اشیاء ضروری است.

زوال مالیت اشیاء دارای آثاری است. آثار حقوقی زوال مالیت در ارتباط با وضعیت معامله انجام شده و روابط حقوقی طرفین قرارداد از دیدگاه فقه دورنمانده و آثار و نتایج حاصل از زوال مالیت مورد معامله را در فروض مختلف مورد بحث و بررسی قرار می دهد و وضعیت حقوق

معامله و روابط طرفین قراردادها را دقیقاً بررسی می‌نماید و راه‌حلهای حقوقی منطقی ارائه می‌دهد. نیاز افراد جامعه به تناسب زمان و مکان و اوضاع و احوال جوامع، دگرگون می‌شود نیازهای مادی افراد از عصری به عصر دیگر و از جامعه به جامعه دیگر متغیر است. انسان در هر عصری به نحو خاصی از اشیاء استفاده کرده است، به موازات پیشرفت علوم و تکنولوژی انسان توانسته است اولاً از اشیاء استفاده‌های دیگری ببرد و ثانیاً: اشیایی را که در اعصار گذشته فایده‌ای برای انسان نداشته و در واقع انسان نمی‌توانسته است از آن بهره ببرد، امروزه به خدمت خویش در آورده و از آن بهره‌های فراوان می‌برد در فقه اسلام اشیایی به چشم می‌خورد که با توجه به منفعت خاصی که برای مردم داشته‌اند دادوستد و معامله آنها به لحاظ همان کاربرد ممنوع اعلام شده است، اما امروزه استفاده‌های فراوان دیگری می‌توان از آنها نام برد. این گونه اشیاء نیز باید مورد بررسی قرار گیرند که آیا معامله آنها به لحاظ وجود منافع دیگری غیر از منافع محرمة، حرام و ممنوع است یا آن که صحیح و جایز است؟

مواردی که منافع بعضی از اشیاء - تمام منافع یا بعضی از منافع - برای پیروان دین اسلام ممنوع اعلام شده است، سؤال آن است که آیا فروش این اشیاء به خریداران و مشتریانی که اعتقاد به حرمت و ممنوعیت اشیاء یاد شده ندارند جایز است یا خیر و ادله جواز چنین معامله‌ای چیست؟ خرید و فروش اعضاء و جوارح انسان برای مقاصد و منافع مختلف پزشکی و تحقیقاتی توجیه فقهی دارد یا خیر. فواید و منافع و آثار این عمل در عصر حاضر بر کسی پوشیده نیست، حیات بسیاری از بیماران و پیشرفت بسیاری از تحقیقات پزشکی و آزمایشگاهی متوقف بر قطع اعضاء و جوارح انسان‌های دیگر است. باید دید فقه چه راه‌حلی این مسأله دارد و چگونه آن را پاسخ خواهد داد.

مسایل مطروحه فوق، مطالب و مباحث پایان‌نامه حاضر را تشکیل داده است و سعی شده است برای هر کدام از مسایل یاد شده، پاسخی مناسب - با توجه به فقه اسلامی - ارائه شود و به

یاری خداوند متعال مجموع مطالب یاد شده در ضمن چند فصل و چند مبحث بیان خواهیم کرد.

فصل اول:

کلیات

فصل اول - کلیات

۱-۱: تعریف مال

برای این که بدانیم مفهوم و معنای مال چیست، ابتداء معنای آن را از لحاظ لغوی بررسی خواهیم کرد سپس به معنای اصطلاحی آن نظر خواهیم داشت تا ببینیم بین معنای لغوی و اصطلاحی آن چه رابطه‌ای وجود دارد.

۱-۱-۱: معنای لغوی مال

صاحب نظران دانش لغت در مفهوم مال اختلاف ندارند بلکه در مصداق‌های حقیقی آن گفت‌گو دارند. برخی مصداق حقیقی آن را انعام (چهارپایان) و برخی دیگر طلا و نقره دانسته‌اند. ۱- خلیل فراهیدی در کتاب العین که از فرهنگ‌های قدیمی (قرن دوم) به شمار می‌آید مال را از ریشه اجوف واوی «مول» دانسته است.

«المال معروف و جمعه اموال و کانت اموال العرب انعامهم و رجل مال ای ذومال»^(۱)

۱- خلیل بن احمد فراهیدی، العین، (قم: انتشارات دارالهجرة، چاپ اول، ۱۴۰۵ هـ.ق)، جلد ۸، ص ۳۴۴، اسماعیل بن حماد الجواهری، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، چاپ چهارم، ۱۹۹۰ م)، الجزء الخامس، احمد